

می‌خواهم دامپزشک شوم



لارا دریسکول

مترجم: ناهید تمیم‌داری

سرشناسه: دریسکل، لورا

Driscoll, Laura

عنوان و نام پدیدآور: می‌خواهم دامپزشک شوم / نویسنده لارا دریسکل ؛ تصویرگر کتلینا اچیبوری ؛ مترجم ناهید تمیم‌داری.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۲ص: مصورانه (نگی)؛ ۱۷×۲۴سم.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۰۷-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

I Want to Be a Veterinarian: عنوان اصلی؛

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: مشاغل

Occupations

دامپزشکان

Veterinarians

دامپزشکی

Veterinary medicine

شناسه افزوده: تمیم‌داری، ناهید، ۱۳۵۱-

شناسه افزوده: اچوری، کاتالینا، ۱۹۸۶-م. تصویرگر

شناسه افزوده: Echeverri, Catalina, 1986-

رده‌بندی دیویی: ۳۳۱/۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۸۵۵۱



دُکسا

می‌خواهم دامپزشک شوم

نویسنده: لارا دریسکل

تصویرگر: کتلینا اچیبوری

مترجم: ناهید تمیم‌داری

ویراستار: گروه ویراستاران نشر دکسا

طراح گرافیک: سندس حمیدیان

چاپ دوم: ۱۴۰۴

تیراژ: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۰۷-۵

ف



@doxa__vision



publication@doxa-v.org



ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳



www.doxa-v.org



تقدیم به پدرم، متخصص‌ترین و
دوست‌داشتنی‌ترین دامپزشکی که می‌شناسم.
سی. ایی.



من و پدرم رفتیم پیش دامپزشک، یا همان
دکتر حیوان‌ها.





سگمان را برده بودیم دکتر. اسمش گاس است.
می‌خواستیم دکتر او را معاینه کند.



خانم دکتر زودی ما را صدا کرد تا برویم توی
اتاق معاینه.
او گاس را وزن کرد.

خانم دکتر توی چشم‌ها و بینی و دهان گاس
را نگاه کرد. بعد به صدای قلبش گوش کرد.



خانم دکتر گفت: «گاس سگ سالمی است.»
او دامپزشک خیلی خوبی است.
خیلی باتربیت و مهربان است.
من به خانم دکتر گفتم: «کاش می‌شد
دامپزشک بشوم، چون خیلی حیوان‌ها را
دوست دارم، اما به گربه‌ها حساسیت دارم.»



خانم دکتر لبخند زد و گفت: «حتماً که نباید
دکتر سگ و گربه‌ها بشوی. می‌توانی دکتر
حیوانات دیگر بشوی.»



در راه خانه، از گاس پرسیدم: «تو چی فکر
می‌کنی؟ به نظر تو من می‌توانم دامپزشک
باشوم؟»





فردای آن روز، من تمرین اسب سواری داشتم.



آن جا مردی داشت پای یک اسب را باندپیچی
می‌کرد.

از او پرسیدم: «شما دامپزشک هستی؟»



مرد جواب داد: «بله! من دکتر حیوان‌های بزرگ
هستم.»

اسب‌ها و خوک‌ها و بزها و چند جور حیوان
دیگر مریض‌های او بودند.

آهان، فهمیدم.

من به هیچ کدام از این حیوان‌ها حساسیت

ندارم!



یک روز رفتیم گردش علمی. یک
جور دامپزشک دیگر آن جا بود.





او یک غواص بود که توی آکواریوم شنا می کرد.
خانم معلم به ما گفت: «او دکتر ماهی ها و
جانوران توی آب است. او به ماهی ها غذا
می دهد.»

بعد، دکتر ماهی‌ها آمد کنار حوضچه‌ی جانوران
دریایی و به سؤال‌های ما درباره‌ی دریا و زندگی
در آب جواب داد.





تابستان که شد، من و خانواده‌ام رفتیم پارک
ملی.

توی پارک جایی بود به اسم مرکز نجات حیات
وحش.

آن‌جا بیمارستان حیوان‌های وحشی بود.
آن‌هایی که مریض یا زخمی شده بودند،
آن‌جا بودند.

به دکترهایی که آنجا بودند می‌گفتند
دامپزشک حیات وحش.

آن‌ها مریضی پرنده‌ها را خوب می‌کردند و از
آن‌ها پرستاری می‌کردند تا خوب شوند.



بعدش، آن‌ها را آزاد می‌کردند تا بروند و در طبیعت زندگی کنند.

دکتر پرنده‌های وحشی به ما گفت: «من در شغل خودم یک چیزی را خیلی دوست دارم. آن وقتی را که پرنده‌ی مریض خوب می‌شود و می‌رود لانه‌ی خودش.»





فصل پاییز که شد، من با بچه‌های کلاس رفتیم
که یک گاوداری را ببینیم. آن‌جا یک مزرعه‌ی
بزرگ بود که یک‌عالمه گاو داشت. ما دکتر
گاوهای شیرده را دیدیم.



خانم دکتر گفت: «من از گاوها آزمایش می‌گیرم
تا ببینم مریض هستند یا نه. باید ببینم غذای
خوب می‌خورند یا نه. چون اگر گاو سالم باشد،
یک‌عالمه شیر می‌دهد.»

در آن جا ما شیر تازه خوردیم.

اووووم، به به!

معلوم است که گاوهایشان خیلی سالم

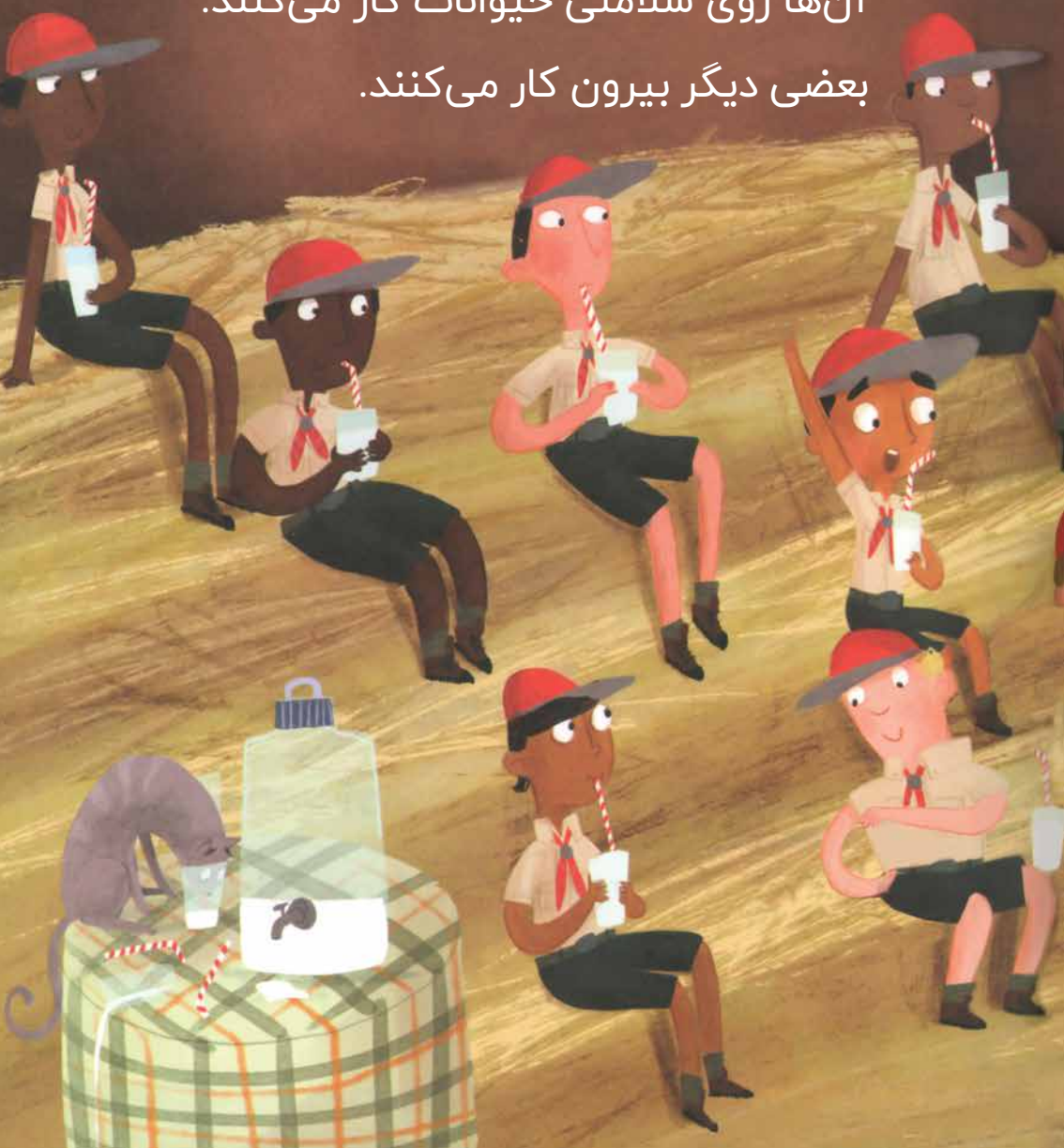
هستند.



من خیلی چیزها درباره‌ی شغل دامپزشکی
یاد گرفتم.

فهمیدم که بعضی از دامپزشک‌ها توی
آزمایشگاه کار می‌کنند.

آن‌ها روی سلامتی حیوانات کار می‌کنند.
بعضی دیگر بیرون کار می‌کنند.



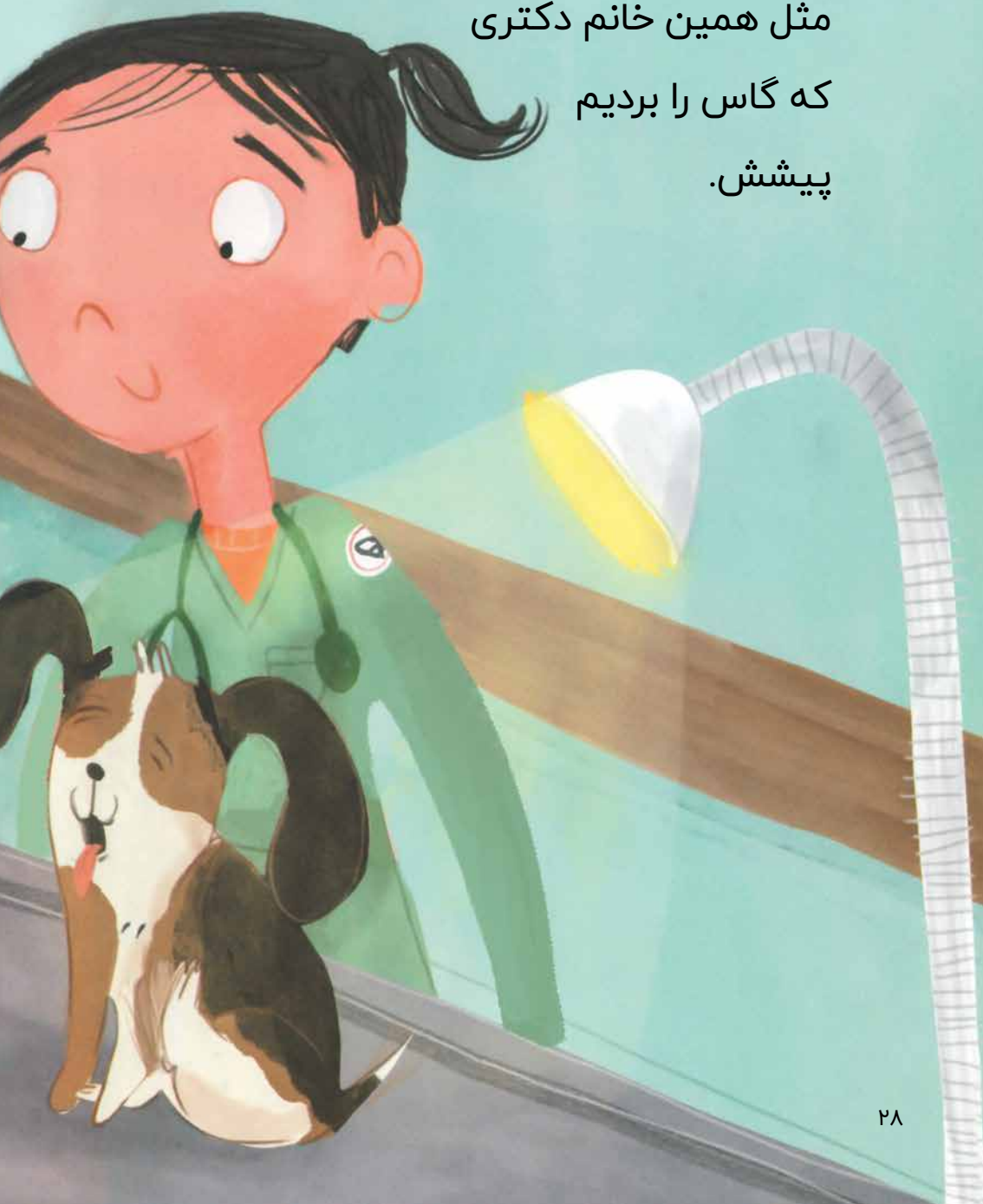


بعضی دامپزشک‌ها توی دانشگاه کار می‌کنند.
آن‌ها به کسانی که می‌خواهند دکتر حیوانات
شوند، درس می‌دهند.

بعضی دامپزشک‌ها توی بیمارستان‌های بزرگ
و شلوغی کار می‌کنند که مخصوص حیوانات
است.



بعضی از آن‌ها هم در مطبِ کوچکی کار می‌کنند
که مال خودشان است.
مثل همین خانم دکتری
که گاس را بردیم
پیشش.



دفعه‌ی بعد که گاس را بردیم معاینه، دوباره
خانم دکتر را دیدم.
به او گفتم که چه چیزهایی درباره‌ی شغلش
یاد گرفته‌ام.



خانم دکتر از من پرسید: «خب، حالا می‌خواهی
چه جور دامپزشکی بشوی؟»
دوباره به دامپزشک‌های مختلف فکر کردم.
اما یکهو... آ آ آ چه!





به خاطر گریه‌ای که نزدیکم بود، عطسه‌ام گرفت.
گفتم: «نمی‌دانم. ولی خوش‌حالم که می‌توانم
همه جور دامپزشکی بشوم!»

آشنایی با انواع دامپزشک

دامپزشک حیوانات کوچک

کسی است که حیوانات خانگی را معالجه می‌کند، مثل سگ و گربه.



دامپزشک حیوانات بزرگ

کسی است که حیوانات بزرگ را معالجه می‌کند، مثل اسب، گاو، بز و خوک.



دامپزشک آبزیان

کسی است که ماهی‌ها و دیگر جانوران نوی آب را معالجه می‌کند.



دامپزشک حیات وحش

کسی است که جانوران وحشی مریض یا زخمی را معالجه می‌کند.



دامپزشک آزمایشگاه

کسی است که درباره‌ی سلامت حیوانات مطالعه می‌کند.



دامپزشک استاد دانشگاه

کسی است که به افرادی که می‌خواهند دامپزشک شوند، درس می‌دهد.

